

مبانی و کارکرد قاعده تفسیر علیه انشاء کننده در حقوق قراردادهای

• مجید سربازیان
** سروش رستم زاده

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۴ : تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۶

چکیده

دکترین تفسیر علیه انشاء کننده به معنی تفسیر موارد مبهم قرارداد به ضرر تنظیم کننده آن و به سود طرف مقابل است. این دکترین سال‌ها است که در حقوق کامن لا به عنوان یک اصل در حقوق قراردادهای و به طور خاص در قراردادهای استاندارد و قراردادهای یک طرفه، مورد استناد و استفاده قرار می‌گیرد. بر این اساس، چالش اصلی که به بررسی آن خواهیم پرداخت عبارت است از بررسی مبانی به کارگیری قاعده تفسیر علیه انشاء کننده در تفسیر قراردادهای. در انتهای این تحقیق مشخص می‌شود که مبانی استفاده از این قاعده شامل: کاهش موارد ابهام در قراردادهای، کاهش شروط غیرمنصفانه و توزیع مجدد ثروت و کارکرد اصلی آن، حمایت از طرف ضعیف‌تر در قراردادهای استاندارد، قراردادهای یک طرفه و موارد مشابه آن است؛ چرا که امروزه قراردادهای استاندارد و یک طرفه به نحو وسیعی از سوی طرف قوی‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ لذا استفاده از این اصل امکان تعدیل میزان قدرت معاملاتی طرفین را فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: تفسیر علیه انشاء کننده، حقوق قراردادهای، قرارداد استاندارد، قراردادهای مصرف.

مقدمه

اگرچه نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رومی ژرمنی تفاوت‌های ساختاری بسیاری با یکدیگر دارند و همین مسئله موجب شده است که نقطه شروع نظام تفسیر قرارداد در این دو سیستم با یکدیگر متفاوت باشد؛ اما بررسی رویه عملی نشان‌دهنده نزدیکی اصول تفسیر در این دو نظام است.^۱ به طور کلی، تفسیر قرارداد به تفسیر شخصی^۲ و نوعی^۳ قابل تقسیم بندی است. در شیوه تفسیر شخصی، بر استقلال طرفین و آزادی اراده ایشان تأکید می‌شود؛ بدین معنا که در صورت تعارض میان قصد طرفین و ابراز بیرونی آن، قصد طرف مورد توجه قرار می‌گیرد؛ لذا هنگامی که قصد طرف و یا ابراز بیرونی آن با هم در تعارض قرار می‌گیرند، شیوه تفسیر شخصی به قصد طرف قرارداد توجه می‌کند. در مقابل، در شیوه تفسیر نوعی، اولویت به بیان خارجی اراده داده می‌شود. دلیل این امر نیز این است که دادوستدهای نیازمند حمایت از ظاهر بیرونی اراده افراد است.

دیدگاه شخصی به اوایل دوره حقوق روم بازمی‌گردد و شیوه تفسیر نوعی توسط دکترین حقوقی مسیحیت مورد تقویت قرار گرفت و تا قرن نوزدهم به عنوان شیوه غالب تفسیر در قاره اروپا مورد استفاده قرار می‌گرفت.^۴ البته امروزه نقطه آغاز بحث تفسیر، اراده مشترک طرفین قرارداد است.^۵ روش تفسیر شخصی به طور صریح در ماده ۱۱۵۶ قانون مدنی فرانسه مورد استفاده قرار گرفته است. این ماده بیان داشته است:

«در یک قرارداد باید به دنبال آن چیزی بود که قصد مشترک طرفین آن است و نه به معنی تحت‌اللفظی آن» این مقرر به طور معمول از سوی دادگاه‌ها به طرق چندی به کار گرفته می‌شود، برای مثال بر طبق قانون حسن نیت که ملاک آن رفتار نوعی افراد دارای حسن نیت است^۶ و یا به این صورت که اراده ابراز نشده و یک طرفه به حساب نمی‌آید؛ البته در مورد اینکه چگونه معنی آن توسط سایر طرفین فهمیده می‌شود و یا اینکه چگونه یک شخص معقول معنی شرط را می‌فهمد، محلی برای اعمال تفسیر نوعی است.

در قانون مدنی آلمان نیز که مقرر گردیده است در تفسیر

اراده، قصد واقعی بدون توجه به معنای تحت‌اللفظی آن‌ها مشخص می‌شود معرف دیدگاه شخصی است؛^۷ اما ماده ۱۵۷ قانون مدنی آلمان که مقرر داشته است قرارداد بر طبق حسن نیت و در ارتباط با شیوه تجاری مناسب تفسیر می‌شود،^۸ معرف دیدگاه نوعی است. در حقوق ایران نیز همین شیوه مختلط مورد استفاده قرار گرفته است؛ مواد ۱۹۱ و ۱۹۶^۹ و... معرف دیدگاه تفسیر شخصی و ماده ۲۱۷ در خصوص لزوم مشروعیت جهت معامله نظر به تفسیر نوعی دارد. در حقوق کامن‌لا نیز با توجه به لزوم کشف قصد مشترک طرفین در تفسیر قرارداد، می‌توان گفت که این سیستم حقوقی در حوزه تفسیر نوعی قرار می‌گیرد. با این حال در حوزه حقوق کامن‌لا در برخی موارد امکان استفاده از ادله بیرونی به منظور تفسیر قرارداد پذیرفته شده است که در این خصوص توضیحات کافی ارائه خواهد شد. بررسی نظام‌های حقوقی مختلف نشان می‌دهد که تفاوت‌هایی در خصوص نقطه آغازین تفسیر میان این نظام‌ها وجود دارد؛ اما در خصوص لزوم تفسیر علیه انشاء کننده، ضرورت‌های مشترکی موجب شکل‌گیری اراده مشترک بر لزوم استفاده از این قاعده در سیستم‌های حقوقی مختلف شده است که از آن جمله می‌توان به حمایت از طرف ضعیف‌تر در قراردادها، ایجاد شفافیت در متن قرارداد، ایجاد عدالت توزیعی و... اشاره نمود.

از لحاظ تاریخی، شکل‌گیری و توسعه استفاده از این دکترین عموماً معلول گسترش قراردادهای بیمه، توسعه قراردادهای الحاقی، قراردادهای استاندارد و... است. البته امروزه نیز کاربرد این دکترین محدود به این نوع قراردادها نبوده و در تمامی انواع قراردادها شرط قابل اعمال علیه انشاء کننده یا درج‌کننده قرارداد است و قصد مشترک طرفین، تفسیر نوعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.^{۱۱} تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد که استفاده از این قاعده می‌تواند منجر به تکمیل کارآمد قراردادها و افزایش شفافیت در شروط قراردادی شود. در واقع پیشگیری از ابهام در قراردادها از سوی طرفی که قرارداد را تنظیم نموده است بسیار آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر از انجام آن از سوی طرف مقابل است؛ البته در خصوص به کارگیری این قاعده در حوزه حقوق قراردادها با چالش‌های چندی مواجه هستیم، از جمله تبیین مفهوم انشاء کننده و بررسی وضعیتی که در آن یک یا چند شرط از سوی یکی از طرفین و سایر شروط که از سوی طرف

۸. ماده ۱۳۳ قانون مدنی آلمان

9. in accordance with the dictates of good faith in relation to good business practice

۱۰. عقد به قصد انشاء محقق می‌شود، به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند. ماده ۱۹۲ - در مواردی که برای طرفین یا یکی از آن‌ها تلفظ ممکن

نیاشد اشاره که مبین قصد و رضا باشد کافی خواهد بود. ماده ۱۹۶ - کسی که معامله می‌کند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است مگر اینکه در موقع عقد خلاف آن را تصریح نماید یا بعد خلاف آن ثابت شود مع ذلک ممکن است در ضمن معامله که شخص برای خود می‌کند، تعهدی هم به نفع شخص ثالثی بنماید.

11. Barak, Aharon, *Purposive Interpretation in Law*, transl. Sary Bashi. Princeton: Princeton University Press 2005, ch. 13.

1. Horton, David *Flipping the Script: Contra Proferentem and Standard Form Contracts*, 2 UNIVERSITY OF COLORADO LAW REVIEW, Vol. 80.

2. Subjective.

3. Objectivized.

4. Horton, op.cit. p.94.

5. Ibid.

6. law, usage and good faith

7. See Art 1134 (3) (good faith), 1135 (equity, custom and usage, statutory law), 1160 (usage). Cf. Ghestin et al. 2001: 18 n.21.

در توضیح ماده مذکور گفته شده است که: «ممکن است یکی از طرفین قرارداد به دلیل انشاء شروطی خاص یا پیشنهاد آن، برای مثال با استفاده از شروط استناداری که توسط دیگران تهیه شده، مسئول تنظیم آن قرار گیرد. چنین طرف قراردادی باید مسئولیت واضح نبودن احتمالی جمله بندی نهایی انتخاب شده را بپذیرد»¹⁶.

لذا می توان در تعریف قاعده تفسیر علیه انشاء کننده بیان داشت:

«قاعده ای است که بر طبق آن، در موارد اختلاف، ابهامات و خلأهای قراردادی علیه انشاء کننده قرارداد و ابهامات ناشی از شروط قرارداد، علیه انشاء کننده آن شروط تفسیر خواهد شد».

سیر تاریخی

سیر تاریخی شکل گیری قاعده تفسیر علیه انشاء کننده معلول تغییر و تحولاتی است که در ساختار قراردادها در اواخر قرن نوزدهم و بیستم به وجود آمد که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

توسعه قراردادهای بیمه

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم انعقاد قراردادهای بیمه عمر به صورت قراردادهایی که امکان تغییر شرایط آن از سوی بیمه گذار وجود نداشت توسعه چشمگیری یافت. این مسئله باعث گردید که نویسندگان حقوقی انتقاداتی را در خصوص یک طرفه بودن این قراردادها مطرح کنند.¹⁷ در همین زمان شرکت های بیمه شروع به فروش بیمه نامه های آتش سوزی نیز نمودند¹⁸ که در آن شروطی درج شده بود که طبق آن در صورتی که اقدام بیمه گذار تفاوتی جزئی با شروط مندرج در قرارداد بیمه داشت، بیمه گر از جبران خسارت معاف می گردید.¹⁹ بر همین مبانی بود که در پرونده فرست نشنال بانک،²⁰ دادگاه از پذیرش تفسیر بیمه گر در مورد یک شرط مبهم در خصوص موارد عدم پوشش بیمه خودداری نمود.

در واقع با وجود اینکه دادگاه در حکم خود اذعان داشت که تفسیر بیمه گر از عبارت مبهم، بهتر از تفسیر بیمه گذار از این عبارت بود؛ اما دادگاه به دلایل ذکر شده همچون یک طرفه

مقابل انشاء شده است. بررسی و نقد مبانی توجیه کننده اعمال این قاعده در حوزه حقوق قراردادها، از جمله نقد مبانی چون عدالت ترمیمی و توزیعی که با وجود تأثیر این قاعده بر تحقق آن ها، راهکارهای مناسب تری نیز جهت نیل به آن ها وجود دارد و رویه عملی در خصوص اعمال قاعده که در این حوزه نیز با وجود امکان کاربرد قاعده تفسیر علیه انشاء کننده در کلیه قراردادها؛ اما رویه دادگاه به طور عمده در قراردادهای استناداری، شروط یک طرفه، تحمیلی و همچنین قراردادهای مصرف (خرید کالا و خدمات) از این قاعده استفاده می کند.

هدف اصلی این مقاله عبارت از بررسی مفهوم این قاعده، بررسی سیر تاریخی تشکیل آن، مبانی توجیه دکترین و رویه عملی سیستم های حقوقی و کارکرد آن در قراردادهای مصرف و قراردادهای استناداری است و فرضیه اولیه نگارنده این است که اعمال قاعده تفسیر علیه انشاء کننده، منجر به ایجاد شفافیت بیشتر در شروط قراردادی و کاهش ابهامات و خلأهای عمدی در قرارداد می شود.

تعریف

این قاعده در لاتین *contra stipulatorem*، در انگلیسی *contra proferentem* نام دارد و به معنای تفسیر علیه انشاء کننده قرارداد، معنی شده است. این قاعده، قاعده ای است در تفسیر قراردادها که به موجب آن، هنگامی که یک تعهد، قرارداد یا شرط مبهم است، معنایی مرجح است که علیه انشاء کننده آن کلمات باشد.²¹ با وجود اینکه این قاعده در اغلب موارد در قراردادهای استناداری و قراردادهای یک طرفه به کار می رود؛ اما قابلیت اعمال در تمامی اقسام قراردادها را دارد.²² در واقع استفاده از این قاعده در قراردادهای استناداری یا سایر قراردادهای موجب شناسایی نوعی مسئولیت محض برای نویسنده قرارداد یا شرط می شود. چرا که در عمل در صورت وجود ابهام در قرارداد بدون نیاز به احراز هیچ نوع تقصیری از سوی انشاء کننده، مورد ابهام به ضرر وی تفسیر می گردد.²³

از این قاعده در غالب اسناد بین المللی که به منظور وحدت قواعد قراردادهای بین المللی تهیه شده منصوص شده است، به طور مثال در اصول قراردادهای تجاری بین المللی، تحت عنوان قاعده تقدم تفسیر به زیان تنظیم کننده قرارداد بیان گردیده است: «اگر شروطی از قرارداد که توسط یک طرف ارائه شده اند واضح نباشند، تفسیر آن شروط علیه طرف مزبور مرجح خواهد بود».²⁴

16. UNIDROIT prncipe of international commercial contracts 2010, article 4.6: 144

17. Patterson, Dennis, The Pseudo-Debate Over Default Rules in Contract Law, 3 S. CAL. INTERDISC. L.J. 235, 279 (1993): 222.

18. Carol A. Chetkovich, Eating Smoke: Fire in Urban America, 1800-1950, 36 J. OF INTERDISC. HIST. 1, 106-07 (2005).

19. William R. Vance, The History of the Development of the Warranty in Insurance Law, 20 YALE L.J. 524, 524 (1911).

20. First National Bank v. Hartford Fire Insurance Co, 95 U.S. 673 (1877).

12. American Law Institute (1981). "The Scope of Contractual Obligations". Restatement (Second) of Contracts 2. St. Paul, Minnesota: American Law Institute Publishers. § 206.

13. American Law Institute 1981, § 206.

14. Kenneth S. Abraham, a Theory of Insurance Policy Interpretation, 95 MICH.L. REV. 531, 538 (1996).

15. بند ۶ ماده ۴ اصول قراردادهای تجاری بین المللی در باب تفسیر قرارداد.

بودن قرارداد و... این ابهام را به ضرر بیمه‌گر تفسیر نمود^{۲۱} و این مسئله آغاز رویه قضایی در خصوص قاعده تفسیر علیه انشاء کننده بود.

با وجود این، نمونه‌های این گونه قراردادها در حقوق آمریکا محدود به قراردادهای بیمه نبوده است؛ لذا این قاعده تفسیر علیه انشاء کننده، پس از رأی فرست نشنال بانک، در خصوص سایر قراردادهای مشابه از جمله قراردادهای رهنی، قراردادهای اجاره، قراردادهای کار، اوراق قرضه و ... مورد استفاده دادگاه قرار گرفت.^{۲۲}

شیوع قراردادهای الحاقی

در آغاز قرن بیستم و توسعه تولید و مصرف انبوه محصولات، انعقاد قراردادهای یک طرفه به امری روزمره تبدیل گردید، در همین دوره بود که دکترین حقوقی به این قراردادها توجه بیشتری نشان دادند و برای اولین بار مفهوم قراردادهای الحاقی^{۲۳} در آثار حقوقی به کار رفت.^{۲۴} در پی این تحولات بود که امکان اعمال دکترین تفسیر علیه انشاء کننده در این نوع قراردادها از سوی رویه قضایی نیز مورد توجه قرار گرفت.^{۲۵} در این دوره قراردادها به قراردادهای معمولی و قراردادهایی که احتمال الحاقی بودن آن‌ها می‌رفت، تقسیم گردید^{۲۶} و با توجه به اینکه دکترین تفسیر علیه انشاء کننده تنها در قراردادهای الحاقی قابل اعمال بود؛ لذا تعریف این قراردادها اهمیت چشمگیری پیدا کرد.^{۲۷} در این دوره قراردادهای الحاقی شمرده می‌شدند که در آن‌ها یکی از طرفین از قدرت کافی برای تغییر آن بهره‌مند نبود.^{۲۸} در عین حال در صورتی که ثابت می‌شد که تحویل کالا و خدمات منوط به امضای قرارداد به صورت یک جانبه بوده است، چنین قراردادی نیز الحاقی تلقی می‌شد.^{۲۹}

21. Ibid: 678.

۲۲. به‌طور مثال در دعوائی در دعوائی Charles Behlen Sons' Co. v. دلسوای (Ricketts, 164 N.E. 436, 438 (Ohio Ct. App. 1928 Southern Ry. Co. v. Coca Cola Bottling Co., 145 F.2d 304, 307 (4th Cir. 1944) در سال ۱۹۴۴ دادگاه با توجه به اینکه قرارداد به صورت الحاقی و بدون وجود امکان تغییر حتی یک کلمه در آن امضاء شده بود، ابهامات قرارداد را به زیان انشاء کننده آن تفسیر نمود.

23. Contracts of Adhesion

24. Kessler, Friedrich, Contracts of Adhesion Some Thoughts about Freedom of Contract, 43 COLUM. L. REV. 629 (1943).

25. Siegelman v. Cunard White Star Ltd., 221 F.2d 189, 204-05 (2d. Cir. 1955) (Frank, J., dissenting); Barrette v. Home Lines, Inc, 168 F. Supp. 141, 142 n.4 (D.C.N.Y. 1958); Perkins v. Standard Oil Co., 383 P.2d 107, 112 (Or. 1963)

26. Horton, op.cit, p 13.

27. See, e.g., Gray v. Zurich Ins. Co., 419 P.2d 168, 171 (Cal. 1966)

28. Neal v. State Farm Ins. Cos., 10 Cal. Rptr. 781, 784 (Ct. App. 1961); see also New York, N.H. & H.R.R. v. Nothnagle, 346 U.S. 128, 136 (1953).

29. Ury v. Jewelers Acceptance Corp., 38 Cal. Rptr. 376, 381

توسعه تفسیرهای برخلاف ظاهر قرارداد

در خصوص تفسیر قرارداد با دو شیوه مختلف تفسیر روبه‌رو هستیم، شیوه اول که تفسیر ظاهری است؛ معتقد است که در صورت تعارض بین اراده ظاهری و اراده باطنی طرفین قرارداد، اراده ظاهری ایشان معتبر است. در مقابل، در شیوه تفسیر غیرظاهری، توجه بیشتر به اراده باطنی طرفین قرارداد است.^{۳۰} در دهه شصت دادگاه‌های آمریکایی شروع به پذیرش ادله خارجی^{۳۱} غیرمنصوص در قرارداد- نمودند و طرفین اجازه یافتند تا از ادله خارجی، به منظور ارائه تفسیر جدید از عبارات به ظاهر روشن استفاده کنند.^{۳۲} این شیوه جدید تفسیر، موجب تلطیف شیوه تفسیر خشک و ظاهری مبتنی بر متن قرارداد، به سمت یک شیوه تفسیر منعطف و مبتنی بر کشف واقعیت^{۳۳} شد. آغاز این رویه در پرونده «پاسیفک گاز و الکترونیک کمپانی علیه پی جی و ای کمپانی»^{۳۴} بود. در این پرونده شرطی درج شده بود که مقرر می‌داشت که «پی جی و ای کمپانی» در مقابل هر نوع خسارت مصون هستند. دادگاه در رأی خود مقرر داشت:

«واژه مصونیت به‌طور معمول به جبران خسارت در مقابل ثالث اشاره دارد و شامل جبران خسارت در رابطه دو طرف قرارداد نمی‌شود؛ لذا قرارداد در این خصوص مبهم است و لذا با توجه به یک طرفه بودن این قرارداد، موارد ابهام باید به ضرر انشاء کننده آن تفسیر شود».^{۳۵}

لذا دادگاه درخواست «پی جی و ای کمپانی» مبنی بر جبران خسارت توربین خسارت دیده را رد کرد.^{۳۶} در این رأی دادگاه قاعده «تفسیر در چارچوب قرارداد»^{۳۷} (تفسیر بر مبنای نص سند) را رد نمود. این قاعده یک قاعده فرمالیستی بود که بر مبنای آن دادگاه در صورت وجود ابهام در قرارداد، تنها می‌توانست به بررسی رابطه طرفین،^{۳۸} مذاکرات^{۳۹} و اوضاع و احوال^{۴۰} بپردازد.

در فقه و حقوق ایران با وجود اینکه قرارداد به قصد انشاء طرفین و مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد نماید محقق می‌شود، اما این نمود بیرونی تنها راهکاری برای کشف نیت درونی تلقی می‌گردید و اصل، اراده باطنی طرف معامله کننده بود. در واقع با وجود برخی نظریات مخالف در میان فقها و

(Ct. App. 1964).

30. Antiformalist

31. Parol evidence rule

32. See, e.g., Eric A Posner, The Parol Evidence Rule, the Plain Meaning Rule, and Principles of Contractual Interpretation, 146 U. PA. L. REV. 533, 534, 538-49 (1998).

33. flexible, fact-intensive inquiries

34. PG&E Corporation and Pacific Gas and Electric Company.

35. Pacific Gas & Elec. Co. v. G.W. Thomas Drayage & Rigging Co., 62 Cal. Rptr. 203 (1967): 204.

36. Ibid. p. 204-05.

37. four corners rule.

38. Parties' relationship.

39. Negotiations.

40. Circumstances.

دادگاه‌ها به شرکت‌های بزرگ اجازه استناد به قاعده تفسیر علیه انشاء کننده را در مقابل شرکت‌های بیمه می‌دهند.⁴³ یا توضیح نمی‌دهند که چگونه دادگاه استناد طرفی که در خصوص شرط یا شروط مزبور با طرف مقابل مذاکره نموده ولی در عمل قدرت تغییر آن را نداشته است، رد می‌کنند؛⁴⁴ لذا باید گفت که مبانی اصلی اعمال این قاعده، کنترل انشاء کننده بر قرارداد است اما مبنای منحصر به فرد آن نمی‌باشد؛ در نتیجه اعمال این دکترین، ابهامات قراردادی کاهش یافته است و جریان اطلاعات به سمت طرف ضعیف‌تر قرارداد تسهیل می‌شود. چرا که انشاء کننده قرارداد فردی است عاقل و تلاش می‌کند تا با کاهش موارد ابهام در متن قرارداد و ارائه اطلاعات به طرف مقابل، خود را از مسئولیت ناشی از تفسیر موارد ابهام علیه وی برهاند.

کاهش ابهام

این استدلال که دکترین تفسیر علیه انشاء کننده موجب تشویق انشاء کننده قرارداد به ایجاد شفاف‌سازی بیشتر در قرارداد می‌شود، قدمتی به اندازه خود این دکترین دارد. در واقع در پیش گرفتن چنین تفسیری موجب می‌شود که انشاء کننده قرارداد انگیزه‌های منطقی و کارآمدی را برای ایجاد شفافیت بیشتر در قرارداد کسب نماید.⁴⁵ در واقع قراردادان این مسئولیت بر دوش شرکت‌های بیمه‌گر و همچنین تنظیم‌کنندگان قراردادهای الحاقی منطقی است، چرا که ایشان امکانات و تجربه مناسب‌تری را در این زمینه نسبت به طرف مقابل در اختیار دارند؛⁴⁶ لذا باید پذیرفت که وجود چنین مسئولیتی برای طرف انشاء کننده قرارداد، موجب می‌شود وی تلاش بیشتر و مناسب‌تری نسبت به رفع ابهامات از متن قرارداد نماید.

الزام به ارائه اطلاعات

در ابتدای قرن بیستم تصور بر این بود قواعد پیش فرض⁴⁷ تنها در مواردی که قرارداد ساکت است و به منظور تکمیل قرارداد به کار می‌رود و قواعد پیش فرض باید مشابه آن چیزی باشند که طرفین خود در صورت مذاکره به آن می‌رسیدند؛ اما در دهه هشتاد پیشنهاد وضع قواعد پیش فرض به صورت اجباری نیز از سوی دکترین مطرح گردید.⁴⁸ بنای این نظریه بر این است که

ظاهر برخی مواد قانونی مدنی، مشهور فقها اصل را اراده باطنی می‌دانند (نائینی، ۱۳۸۵: ۲۱۱ و ۴۰۷؛ حر عاملی، ۱۴۱۲؛ حلی، ۱۴۱۲: ۱۱۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۲: ۲۱۱) و حقوق دانان نیز با استناد به مواردی همچون ماده ۱۹۱ قانون مدنی و مواد ۱۹۶، ۴۶۳ و ۱۱۴۹، اصل را بر حاکمیت اراده باطنی قرار داده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۳۱ و ۲۳۵؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

البته همان‌طور که مشخص است، اصل بر اراده باطنی بوده و استثنائاتی نیز در این زمینه وجود دارد، به طور مثال مطابق مواد ۱۲۹۲ و ۱۳۰۹ ق.م.اراده اعلام شده در سند رسمی، معتبر است هرچند این اراده با اراده باطنی معارض باشد و یا براساس مواد ۴۵۰ و ۴۵۱ ق.م.تصرفاتی که نوعاً کاشف از رضا باشند، مسقط خیار و یا فسخ فعلی قرارداد شده‌اند؛ یا اگرچه با اراده باطنی مطابقت ننماید و مواد ۲۴۵ و ۲۴۸ ق.م.نیز اثر حقوقی را بر لفظ مترتب نموده و کاشفیت آن از اراده واقعی را مدنظر قرار نداده است. بررسی تمامی این موارد از چارچوب این مقاله خارج است.

مبانی

دکترین حقوقی مبانی چندی را برای اثبات لزوم استفاده از قاعده تفسیر علیه انشاء کننده قرارداد بیان داشته است که از آن جمله، وجود قدرت کنترل قرارداد از سوی انشاء کننده، نقش این قاعده به عنوان ابزار ترمیم قرارداد و نقش آن در نیل به عدالت توزیعی است؛ لذا در ادامه در سه قسمت به بررسی این موارد خواهیم پرداخت.

کنترل

کنترل انشاء کننده قرارداد بر متن قرارداد متداول‌ترین دلیلی است که در توجیه استفاده از دکترین تفسیر علیه انشاء کننده بیان می‌گردد. البته بر این مبنا انتقاداتی منطقی نیز وارد است؛ به طور مثال در مواردی که طرفین قرارداد انشاء توافق خود را به یکی از طرفین سپرده‌اند و علت انشاء قرارداد از سوی یکی از طرفین قدرت معاملاتی غالب وی نیست، نمی‌توان به این مبنا استناد نمود. در عین حال در برخی موارد این مسئله در تعارض با قاعده «آخرین اقدام»⁴⁹ قرار می‌گیرد؛ البته توجه به میزان کنترل انشاء کننده قرارداد بر آن به جای توجه صرف به نفس کنترل غالب انتقادات پیش‌گفته را خنثی می‌کند. در واقع در این دیدگاه، تفسیر علیه انشاء کننده آخرین اقدام میان طرفین برابر بوده است، چرا که توانایی طرف غیر انشاء کننده بر چانه‌زنی، قدرت کنترل انشاء کننده را خنثی می‌کند؛ اما این پاسخ در قراردادهایی که کنترل کامل آن در دست یکی از طرفین بوده صادق نیست.⁵⁰ اما این دیدگاه قادر به توجیه این مسئله نیست که چرا برخی

43. See, e.g., *Morgan Stanley v. New England Ins. Co.*, 225 F.3d 270, 279 (2d Cir. 2000); *St. Paul Fire & Marine Ins. Co. v. MetPath, Inc.*, 38 F.Supp.2d 1087, 1092 (D. Minn. 1998) *CPS Chemical Co., Inc. v. Continental Ins. Co.*, 536 A.2d 311, 318 (App. Div. 1988)

44. See, e.g., *Hamwi v. Citinational-Buckeye Inv. Co.*, 140 Cal. Rptr. 215, 221 (Cal. Ct. App. 1977)

45. *Carolina Care Plan Inc. v. McKenzie*, 467 F.3d 383, 390 (4th Cir. 2006).

46. Kenneth S. Abraham, a Theory of Insurance Policy Interpretation, 95 MICH. L. REV. 531, 538 (1996), p. 534.

47. Defaults rules

48. Ian Ayres & Robert Gertner, Filling Gaps in Incomplete Contracts: An Economic Theory of Default Rules, 99 YALE

41. last resort

42. See, e.g., *Hamilton v. Stockton Unified School Dist.*, 54 Cal. Rptr. 463, 467 (Cal. Ct. App. 1966); *Doyle v. Finance America, LLC*, 918 A.2d 1266, 1270 n.3 (Md. Ct. App. 2007)

که نگرانی‌های مربوط به عدالت توزیعی و یا حداقل الزام به نفع طرف ضعیف‌تر^{۵۵}، هدایت‌کننده بسیاری از تصمیمات در این زمینه است.^{۵۶} در عین حال تردیدی نیز در این خصوص نیست که برخی قواعد قراردادی مانند محدودیت بر میزان سود، محدودیت بر مالکیت و ... در راستای عدالت اجتماعی است.^{۵۷} علاوه بر این، ممانعت از اعمال قدرت طرف قوی‌تر به منظور دستیابی به امتیازات قراردادی، مشابه قواعدی است که علیه اکراه و تقلب استعمال می‌شود؛^{۵۸} اما اعمال قاعده تفسیر علیه انشاء کننده در مقایسه با سایر راهکارهای ایجاد عدالت توزیعی، راهکاری نامناسب برای برقراری عدالت توزیعی است. به بیان دیگر، کارکرد سیستم مالیات‌گیری راهکاری مناسب‌تر برای نیل به عدالت توزیعی است تا اعمال قواعدی همچون تفسیر علیه انشاء کننده؛ لذا این مبنا نمی‌تواند مبنای مناسبی برای به کارگیری دکترین تفسیر علیه انشاء کننده باشد.

رویه عملی در حقوق موضوعه

این قاعده در حقوق کامن‌لا به منظور محدود کردن شروطی به کار رفت که طبق آن، یکی از طرفین خود را از مسئولیت مبرا و یا میزان مسئولیت خود را تا حد زیادی محدود می‌کرد. در واقع این قاعده به منظور تفسیر شروط معاف‌کننده و یا محدود‌کننده مسئولیت علیه درج‌کننده این شروط به کار رفت^{۵۹} و به این منظور قضات اقدام به تفسیر مضیق این شروط نموده است و مقرر داشتند که: «این مسئله که یکی از طرفین قرارداد طرف مقابل را از مسئولیت‌های ناشی از غفلت وی معاف سازد، ذاتاً غیرقابل استناد^{۶۰} است؛ لذا قضات شروط مزبور را در معنای خود تفسیر نکردند. این مسئله که ایجاد استثناء بر حق آزادی قراردادی در حقوق انگلیس است، امری نادر است چرا که در حقوق انگلیس به ندرت استثنائی بر اصل آزادی قراردادها وارد می‌شود.^{۶۱} در حوزه حقوق رومی - ژرمنی، در حقوق آلمان اعمال قاعده تفسیر علیه انشاء کننده تنها در خصوص قراردادهای استاندارد

اصولاً برخی قواعد پیش‌فرض به این منظور وضع می‌شوند تا برخی شروطی را که طرفین تمایلی به آن ندارند را بر ایشان تحمیل کنند.^{۶۲} نکته قابل‌ذکر آنست که در نظریه فوق مشهود است، نویسندگان قاعده تفسیر علیه انشاء کننده را مثال واضحی از این قواعد می‌دانند، چرا که موجب می‌گردد که انشاء کننده قرارداد آن را به نحو واضح‌تری تنظیم کند.^{۶۳}

نقش قاعده تفسیر علیه انشاء کننده در اجرای عدالت ترمیمی

حتی در صورتی که قاعده تفسیر علیه انشاء کننده منجر به ارائه اختیاری اطلاعات بیشتر و یا به کارگیری شروط کارآمدتر نشود؛ همچنان به عنوان یک ابزار ترمیمی^{۶۴} کاربرد دارد. در این معنا قاعده تفسیر علیه انشاء کننده و دکترین «خلاف وجدان نبودن شروط قراردادی»^{۶۵} دارای کاربردی مشابه است، در واقع هر دو این قواعد هنگامی از سوی دادگاه مورد استفاده قرار می‌گیرند که یک فروشنده قدرتمند - دارای قدرت معاملاتی بالاتر - قراردادی را بدون امکان مذاکره در مورد شروط آن با دیگری منعقد نموده است؛ لذا می‌توان دید که هر دو به عنوان ابزاری برای حمایت از آزادی‌های فردی به کار می‌رود.^{۶۶}

امروزه دادگاه‌ها با پرونده‌های بسیاری مواجه می‌شوند که به دلیل تحمیل شروط قراردادی و یا تحمیل کل قرارداد از سوی یکی از طرفین آن به دیگری، آزادی‌های فردی افراد همچون حق بر درخواست جبران خسارت از دادگاه، حق بر الزام طرف مقابل به اجرای عین قرارداد و حقوق مشابه آن در معرض خطر قرار می‌گیرند. در چنین وضعیتی، دادگاه‌ها در تلاش برای ترمیم رابطه طرفین به سمت عدالت از قواعدی چون تفسیر علیه انشاء کننده و خلاف وجدان نبودن شروط قراردادی استفاده می‌کنند.

نقش قاعده تفسیر علیه انشاء کننده در اجرای عدالت توزیعی

بر این مبنا، به منظور حل ابهامات در قرارداد انشاء کننده از نظر اقتصادی در وضعیت مناسب‌تری است و لذا از این منظر تفسیر موارد مبهم به نفع مصرف‌کننده، تلاشی در راستای اجرای عدالت توزیعی است.^{۶۷} در این خصوص تردیدی در این نیست

Expectations of the Insured, 67 VA. L. REV. 1151, 1153 (1981), p. 1855 & n.133.

55. ARTHUR LINTON CORBIN, CORBIN ON CONTRACTS, 1960, p. 559.

56. Charny, op.cit, p.1855 & n.133.

57. See, e.g., Anthony T. Kronman, Contract Law and Distributive Justice, 89 YALE L.J. 472, 473 (1980); Daphna Lewinsohn-Zamir, In Defense of Redistribution through Private Law, 91 MINN. L. REV. 326, 381-90 (2006).

58. See Kronman, op.cit, p.495-97.

59. Treitel, Guenther, Law of Contracts 10th ed. London: Butterworths, 1999, PP. 202-203.

60. inherently improbable.

61. Cserne, Peter, Policy considerations in contract interpretation: the contra proferentem rule from a comparative law and economics perspective, 2009, Available at: http://works.bepress.com/peter_cserne/28, 2009.

L.J. 87, 105 n.80 (1989): 96.

49. See id. P. 91.

50. See id. P. 105 n.80, Abraham, op.cit, pp 1169-70.

51. corrective tools

52. doctrine of unconscionability

53. Armendariz v. Found. Health Psychcare Servs., 6 P.3d 669, 767 (Cal. 2000). Other states engage in broad, totality-of-the-circumstances inquiries. See Scovill v. WSYX/ABC, 425 F.3d 1012, 1017 (6th Cir. 2005).

54. David Charny, Hypothetical Bargains: The Normative Structure of Contract Interpretation, 89 MICH. L. REV. 1815, 1854 (1991), Kenneth S. Abraham, Judge Made Law and Judge-Made Insurance: Honoring the Reasonable

بیمه‌گر به خطرات مشابه آنچه بیمه شده نیز سرایت می‌یابد، مگر اینکه این موارد صراحتاً از قرارداد مستثنا شده باشد.⁶⁶ در حقوق ایران تنها موردی که به تفسیر علیه انشاء کننده اشاره شده است، در ماده ۱۷ آیین‌نامه شماره ۸۱ شورای عالی بیمه^{۶۷} می‌باشد که بیان داشته است:

«مسئولیت درج صحیح اطلاعات در بیمه‌نامه بر عهده بیمه‌گر است و موارد اجمال، ابهام یا اختلاف در مندرجات بیمه‌نامه یا سایر مستندات به نفع بیمه‌گذار یا ذی‌نفع تفسیر می‌شود».

بر اساس این ماده، در صورت بروز اختلاف و نیاز به تفسیر عقد بیمه، برخلاف اصول عمومی قراردادها که در صورت تردید در ذمه متعهد نسبت به مازاد، در راستای اصل برائت، قرارداد به نفع متعهد تفسیر می‌شود، مفاد قرارداد بیمه و شروط آن علیه بیمه‌گر و به نفع بیمه‌گذار، ذی‌نفع یا بیمه‌شده تفسیر خواهد شد؛ اما قاعده تفسیر علیه انشاء کننده در حقوق ایران به صورت یک قاعده نیامده و لازم است تا به طور خاص در مورد شروط غیرمنصفانه، قراردادهای تحمیلی و قراردادهای استاندارد مورد اشاره قرار بگیرد.

کارکرد قاعده تفسیر علیه انشاء کننده

پس از بررسی مبانی قاعده تفسیر علیه انشاء کننده و سیر تاریخی آن، اکنون برای تکمیل بحث باید به بررسی کارکردهای آن در حقوق موضوعه بپردازیم؛ لذا با توجه به اینکه حوزه اصلی استفاده از این قاعده در قراردادهای مصرف و قراردادهای استاندارد است؛ لذا هر یک را در قسمتی جداگانه مورد بررسی قرار خواهیم داد.

قراردادهای مصرف

در حوزه حقوق مصرف‌کننده غالب قوانین و مقررات با این دید تصویب می‌شوند که مصرف‌کننده طرف ضعیف‌تر قرارداد مصرف بوده و لذا تلاش قوانین و مقررات در این حوزه، بیشتر بر حمایت از مصرف‌کننده است.

در رهنمود اتحادیه اروپا در خصوص شروط غیرمنصفانه، در بند ۱ ماده ۵ مقرر گردیده است:

«در مواردی که تمام یا بخشی از قرارداد به صورت نوشته شده (غیرقابل تغییر) به مصرف‌کننده ایجاب شده است، این موارد باید به نحو ساده و قابل فهم نوشته شده باشد» این ماده الزاماتی را در خصوص شفافیت در قراردادهای از پیش نوشته شده مقرر داشته است^{۶۸} و در نگاه اول قلمروی مشابه با قاعده تفسیر علیه

تجویز گردیده است؛^{۶۹} اما در عمل دادگاه‌ها این شیوه تفسیر و لفظ قرارداد استاندارد را به قراردادهای بیمه، بانک، راه‌آهن و... توسعه داده‌اند.^{۷۰} استدلال دادگاه در لزوم این تفسیر موسع از قانون نیز بر مبنای اصل تفسیر در حقوق رومی است که بر مبنای آن، شخصی که قرارداد را انشاء نموده باید آن را به نحو واضحی بنویسد و لذا هر نوع تردیدی در معنای قرارداد باید به ضرر انشاء کننده باشد یا به نحوی تفسیر شود که گویا طرف مقابل آن را تفسیر می‌کند. در فرانسه و بلژیک نیز مشابه حقوق انگلیس و آمریکا، کاربرد قاعده تفسیر علیه انشاء کننده، قاعده ساخته و پرداخته قضات است و مقرر قانونی خاصی در این مورد در حقوق این دو کشور وجود ندارد. در حقوق هر دو کشور شروط استاندارد علیه نویسنده قرارداد و یا شخصی تفسیر می‌شود که این شرط را به نفع خود درج نموده است.

بر طبق ماده ۱۱۶۲ قانون مدنی فرانسه:

«در موارد تردید، توافق علیه کسی که قرارداد را انشاء نموده و به نفع کسی که تعهد را بر عهده گرفته است، تفسیر می‌شود».^{۷۱}

البته نتیجه اعمال این مقرر با اعمال قاعده تفسیر علیه انشاء کننده مشابه خواهد شد، چرا که در عمل سه فرض قابل تصور است: الف: انشاء کننده قرارداد شرطی را به نفع خود در قرارداد درج نموده است، که در این مورد شرط به ضرر انشاء کننده قرارداد تفسیر می‌شود. در این مورد قاعده تفسیر علیه انشاء کننده و مطابق ماده ۱۱۶۲ با یکدیگر مطابقت دارند.

ب: انشاء کننده قرارداد شرطی را علیه خود درج نموده است. در این صورت شرط به نفع انشاء کننده قرارداد تفسیر می‌شود. این مسئله که در قلمرو قاعده تفسیر علیه انشاء کننده قرار دارد، از مفهوم مخالف ماده ۱۱۶۲ و توجه به بند دوم ماده قابل برداشت است؛ در واقع ظاهر ماده نشان‌دهنده این مسئله است که انشاء کننده متعهد له و طرف مقابل متعهد است و ماده مذکور به این فرض نظر داشته است.

ج: طرف غیر انشاء کننده شرطی را به نفع خود در قرارداد درج نموده است، در این صورت شرط به ضرر متعهدله آن تفسیر می‌گردد. این مقرر که نتیجه مستقیم اجرای قاعده تفسیر علیه انشاء کننده است نیز مخالفتی با ماده مذکور ندارد، چرا که ماده قانون مدنی فرانسه به قراردادهایی نظر داشته که به طور کامل توسط یکی از طرفین انشاء شده است و فرض مطروحه در مورد «ج» وضعیتی است که در آن، طرف مقابل با چانه‌زنی، شرطی را به نفع خود در قرارداد وارد نموده است.^{۷۲} در حقوق سوئیس نیز مقررهای در سال ۱۹۱۰ به تصویب رسید که بر طبق آن تعهدات

66. Péter Cserne, Policy considerations in contract interpretation: the contra proferentem rule from a comparative law and economics perspective, Hungarian Association for Law and Economics, No. 5 2007, Available at: http://works.bepress.com/peter_cserne/28.21/10/2016.

۶۷. آیین‌نامه شماره ۸۱ در خصوص مقررات تعیین حق بیمه کلیه رشته‌های بیمه‌ای، مصوب شورای عالی بیمه، مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱۵.

۶۸. الزام شفافیت مختص قراردادهای مکتوب بوده در قراردادهای شفاهی به

62. clauses in §138 and §242 of the BGB.

63. Krampe, Christoph, Die Unklarheitenregel, Bürgerliches und Römisches Recht. Berlin: Duncker und Humblot, 1983.

64. Art. 1162 In case of doubt, an agreement shall be interpreted against the one who has stipulated, and in favour of the one who has contracted the obligation.

65. ersicherungsvertragsgesetz (1910) Art 33.

انشاء کننده دارد. چرا که تفسیر موارد مجمل و غیرقابل فهم علیه نویسنده آن می‌تواند ضمانت اجرای مناسبی تلقی شود. البته همان‌طور که نویسندگان حقوقی بیان داشته‌اند، قاعده تفسیر علیه انشاء کننده ضمانت اجرای مناسبی را برای تمامی اقسام عدم شفافیت فراهم نمی‌کند، چرا که در بسیاری از موارد ممکن است یک قرارداد ساده و قابل فهم با فونت کوچک نوشته شده باشد و از این جهت، با وجود اینکه شفاف نیست، برخلاف مقرره فوق نیز نخواهد بود. به طور مثال در حقوق آمریکا در پرونده ویلیام علیه والکر توماس^{۶۹} این مسئله مورد توجه قرار گرفت که در آن با وجود اینکه طرفین وارد یک قرارداد الزام آور شده بودند؛ اما ناعادلانه بودن آشکار قرارداد، دادگاه را به سمت اتخاذ رویکردی مناسب برای مقابله با آن سوق داد. در واقع تا پیش از پرونده ویلیام، در آراء مربوط به دعای مربوط به خرید اعتباری، دادگاه برای بی اعتبار شناختن قراردادهای یک طرفه از عناوینی همچون تقلب، مخل نظم عمومی و فقدان رضایت متقابل استفاده می‌کرد و در این پرونده مفهوم خلاف وجدان بودن^{۷۰} شروط قراردادی برای اولین بار مطرح و پس از آن به نحو وسیعی مورد استناد سایر دادگاه‌ها قرار گرفت. در این نوع پرونده‌ها که تعداد آن‌ها بسیار زیاد است، دادگاه‌های با قراردادی الزام آور و دادرسی شرایط صحت مواجه هستند که به نحو ناعادلانه‌ای تنها به سود یکی از طرفین است و در اغلب آن‌ها شروط کامل، صریح و روشنی به نفع یکی از طرفین تصریح گردیده است و لذا استفاده از قاعده تفسیر علیه انشاء کننده راهکار مناسبی برای برقراری تعادل میان طرفین نخواهد بود؛ لذا رویه قضایی به سمت راهکارهای دیگری که مورد اشاره قرار گرفت متمایل گردید.^{۷۱}

کاربرد در قراردادهای استاندارد

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، یکی از حوزه‌های اصلی اجرای قاعده تفسیر علیه انشاء کننده، قراردادهای استاندارد می‌باشد. قرارداد استاندارد قراردادی است که یکی از طرفین، امکان چانه زنی و تغییر متن آن را ندارد؛ لذا می‌توان گفت که این نوع قرارداد یا توسط یکی از طرفین آن نگارش شده و یا یک متن نگارش شده توسط یکی از طرفین مورد استفاده قرار گرفته است که نتیجه هر دو یکسان است. بر همین مبنا در تعریف قرارداد استاندارد بیان شده است:

«به طور کلی می‌توان گفت «قرارداد استاندارد» یک متن از پیش تنظیم شده است که حاوی جزئیات قراردادی از قبیل حقوق، تعهدات و مسئولیت‌های طرفین، موارد نقض قرارداد،

کار نمی‌رود.

69. Williams v. Walker-Thomas Furniture Co, 1965.

70. Unconscionability.

71. Anne Fleming The Rise and Fall of Unconscionability as the 'Law of the Poor, Georgetown law journal, Vol. 102: 1383- 1402.

ضمانت اجرای نقض تعهدات و چگونگی حل و فصل اختلافات می‌باشد که یکی از طرفین قرارداد به طرف مقابل ارائه می‌نماید و به او امکان داده نمی‌شود که شروط مزبور را مورد بحث و مذاکره قرار داده و یا آن‌ها را تغییر دهد و در نتیجه، انعقاد قرارداد به پذیرش کلیه شروط مزبور منوط می‌باشد» (شیروی، ۱۳۸۱: ۷۰).

بر این اساس در این نوع قراردادها طرفین به دلیل تفاوت در جایگاه معاملاتی، وارد یک قرارداد یک طرفه می‌شوند که در آن کلیه حقوق و تکالیف قراردادی توسط یکی از طرفین آن نگارش شده است و بر همین مبنا می‌توان ادعا نمود که هر نوع ابهام و اجمالی در قرارداد نتیجه عمل انشاء کننده آن است. لذا می‌توان گفت که قراردادهای استاندارد و قراردادهای یک طرفه، محل اعمال بسیاری از قواعد حقوقی است که نتیجه اعمال آن‌ها، حمایت از طرف ضعیف تر قرارداد است. در کنار قواعدی همچون بطلان شروط غیرمنصفانه، ابطال رویه‌های غیررقابتی، دکترین خلاف وجدان نبودن شروط قراردادی و ...، قاعده تفسیر علیه انشاء کننده راهکاری است تا ضمن حفظ قرارداد، اقدام به تعدیل نیز نمود.

بحث و نتیجه‌گیری

تفسیر علیه انشاء کننده به معنای تفسیر متن قرارداد و تکمیل خلاءهای آن با استناد به شروطی است که مطلوب به حال طرف ضعیف تر قرارداد است. این دکترین بر مبنای مختلفی استوار است که کاهش ابهام در قراردادها، تسهیل جریان اطلاعات به طرف ضعیف تر، عدالت ترمیمی و ... از جمله این مبنای است. البته مبنای اصلی، همان وجود قدرت کنترل انشاء کننده و ایجاد انگیزه در وی به منظور ایجاد شفافیت بیشتر در قرارداد و ارائه اطلاعات لازم به طرف مقابل است و سایر مبنای ذکر شده همچون عدالت توزیعی و ترمیمی می‌توانند به طرق دیگر و به نحو مناسب تری حاصل شوند.

بررسی صورت گرفته نشان داد، با وجود اینکه عمده کاربرد این شروط در قراردادهای مصرف و قراردادهای استاندارد است؛ اما این قاعده به منظور تعدیل قرارداد، در تمامی انواع قرارداد کاربرد دارد. ریشه دکترین تفسیر علیه انشاء کننده در حقوق کامن لا بوده ولی امروزه در حقوق کشورهای رومی-ژرمنی نیز در اثر رویه قضایی در بسیاری از اقسام قرارداد مورد استفاده قرار می‌گیرد که نمونه‌های آن در حقوق فرانسه، بلژیک، آلمان و سوئیس مورد اشاره قرار گرفت.

در این خصوص، خلا این قاعده در متن قوانین و رویه قضایی ما به وضوح دیده می‌شود و می‌توان در برخی از قراردادهای به ویژه قراردادهای مصرف یا استاندارد به این قاعده استناد نمود تا از این طریق به ایجاد شفافیت بیشتر در قراردادها و تعدیل آن به نفع طرف ضعیف تر اقدام نمود که این مسئله نیازمند جسارت مراجع قضایی یا همت قانون گذار در تعبیه این شروط در برخی قوانین است.

منابع

- Association for Law and Economics, 5. Retrieved from http://works.bepress.com/peter_cserne/28. 21/10/2016
- Cserne, P. (2009). *Policy considerations in contract interpretation: the contra proferentem rule from a comparative law and economics perspective*. Retrieved from http://works.bepress.com/peter_cserne/28
- Horton, D. (2003). Flipping the Script: Contra Proferentem and Standard Form Contracts. *University of Colorado L. REV.*, 80.
- Institute, A. L. (1981). *The Scope of Contractual Obligations. Restatement (Second) of Contracts 2*. St. Paul, Minnesota: American Law Institute Publishers.
- Kessler, F. (1943). Contracts of Adhesion Some Thoughts about Freedom of Contract. *COLUM. L. REV.*, 43, 629.
- Krampe, C. (1983). *Die Unklarheitenregel, Bürgerliches und Römisches Recht*. Berlin: Duncker und Humbolt.
- Kronman, A. T. (1980). Contract law and distributive justice. *Yale L. J.*(89), 472-473.
- Lewinsohn-Zamir, D. (2006). In Defense of Redistribution Through Private Law. *University of Minnesota Law Review*, 91(2), 326, 381-390.
- Patterson. D. (1993). The Pseudo-Debate Over Default Rules in Contract Law. *S. CAL. INTERDISC. L.J.*, 3, 235-279.
- Treitel, G. (1999). *Law of Contracts* (10th ed.). London: Butterworths.
- Vance, W. R. (1911). The History of the Development of the Warranty in Insurance Law. *YALE L.J.*, 20, 524.
- Cases
- Charles Behlen Sons' Co. v. Ricketts, 164 N.E. 436, 438 (Ohio Ct. App.1928).
- Southern Ry. Co. v. Coca Cola Bottling Co., 145 F.2d 304, 307 (4th Cir.1994).
- Gray v. Zurich Ins. Co., 419 P.2d 168, 171 (Cal. 1966).
- Neal v. State Farm Ins. Cos., 10 Cal. Rptr. 781, 784 (Ct. App. 1961).
- New York, N.H. & H.R.R. v. Nothnagle, 346 U.S. 128, 136 (1953).
- Ury v. Jewelers Acceptance Corp., 38 Cal. Rptr. 376, 381 (Ct. App. 1964).
- اخلاقی، بهروز؛ امام، فرهاد (۱۳۸۵). اصول قراردادهای تجاری بین المللی. چاپ دوم. تهران: مؤسسه مطالعه و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). دایرة المعارف حقوق مدنی و تجارت. جلد ۱. تهران: انتشارات گنج دانش.
- حر عاملی، شیخ محمد بن الحسن (۱۴۱۲). وسائل الشیعه. جلد ۱۴. قم: موسسه آل البيت.
- حلی (علامه)، یوسف بن مطهر (۱۴۱۲). مختلف الشیعه. جلد ۲. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۱). «قراردادهای استاندارد (الحاقی) در حقوق کامن له با تأکید بر حقوق انگلستان و آمریکا». مجله مجتمع آموزش عالی. شماره ۱۲. صص ۱۰۲-۶۷.
- شیخ مفید، عبدالله ابن نعمان (۱۴۱۲). المقنعه. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). قواعد عمومی قراردادهای چاپ هشتم. تهران: انتشارات به نشر.
- محقق حلی (۱۴۰۹). شرایع الاسلام. جلد ۲. تهران: انتشارات اسلامی.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۸۵). منیة الطالب فی شرح المکاسب. جلد ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- Abraham, K. S. (1981). Judge Made Law and Judge-Made Insurance: Honoring the Reasonable Expectations of the Insured. *VA. L. REV.*, 67, 1151-1153.
- Abraham, K. S. (1996). A Theory of Insurance Policy Interpretation. *MICH. L. REV.*, 95, 531-538.
- Ayres, L., & Gertner, R. (1989). Filling Gaps in Incomplete Contracts: An Economic Theory of Default Rules. *YALE L. J.*, 99(80), 105.
- Barak, A. (2005). *Purposive Interpretation in Law*. (S. Bashi, Trans.) Princeton: Princeton University Press.
- Charny, D. (1991). Hypothetical Bargains: The Normative Structure of Contract Interpretation. *MICH. L. REV.*, 89, 1815-1854.
- Chetkovich, C. A. (2005). Eating smoke: fire in urban America, 1800-1950. *J. of Interdisc. Hist.*, 36, 106-107.
- Cserne, P. (2007). Policy considerations in contract interpretation: the contra proferentem rule from a comparative law and economics perspective. *Hungarian*

Hamwi v. Citinational-Buckeye Inv. Co., 140 Cal. Rptr. 215, 221 (Cal. Ct. App. 1977).

Carolina Care Plan Inc. v. McKenzie, 467 F.3d 383, 390 (4th Cir. 2006).

Armendariz v. Found. Health Psychcare Servs., 6 P.3d 669, 767 (Cal. 2000).

Scovill v. WSYX/ABC, 425 F.3d 1012, 1017 (6th Cir. 2005).

First National Bank v. Hartford Fire Insurance Co, 95 U.S. 673 (1877).

Hamilton v. Stockton Unified School Dist., 54 Cal. Rptr. 463, 467 (Cal. Ct. App. 1966).

Doyle v. Finance America, LLC, 918 A.2d 1266, 1270 n.3 (Md. Ct. App. 2007).

Morgan Stanley v. New England Ins. Co., 225 F.3d 270, 279 (2d Cir. 2000).

St. Paul Fire & Marine Ins. Co. v. MetPath, Inc., 38 F.Supp.2d 1087, 1092 (D. Minn. 1998).

CPS Chemical Co., Inc. v. Continental Ins. Co., 536 A.2d 311, 318 (App. Div. 1988).



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی